

وقتی درشکه چی سفارت انگلیس سیاستمدار شد!؟

۸ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۳

نام خانواده رشیدیان در سه مقطع تاریخ معاصر ایران برجسته است، آخرین سال های پر آشوب سلطنت احمدشاه قاجار که با کودتای ۱۲۹۹ شمسی به صعود رضاخان به قدرت و سرانجام تاسیس سلطنت پهلوی انجامید، سال های پس از شهریور ۱۳۲۰ که اینتلیجنس سرویس به تجدید سازمان شبکه جاسوسی و تبلیغی و توطئه گر خود در ایران دست زد و بالاخره دوران ۲۵ ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

مهم ترین و یا تنها عاملی که کشور ایران را در سال های متمادی، مد نظر قدرت های بیگانه قرار داد، استعداد اقتصادی این کشور بود. چرا که ایران کشوری بود که ارزشمندترین ذخایر زیرزمینی و روزمینی را در اختیار داشت. یکی از اصلی ترین اهداف حضور استعمارگران در ایران و به کارگیری عناصر وابسته ی بسیار آنان، در گوشه و کنار این مملکت، بهره وری اقتصادی بود و در همین راستاست که در صدساله ی اخیر، بخش اعظمی از منابع زیرزمینی و ثروت های ملی ایران، به چپاول و یغمای قدرت های استعماری و استکباری رفته است و به موازات این چپاولگری، مجوز بهره برداری بی حساب و کتاب از این خوان نعمت را به عوامل مزدور خود نیز عطا کرده اند.

همانگونه که در کتب تاریخی کمابیش به شرح آن پرداخته شده است، از روزی که پای استعمارگران به ایران باز شد، خاندان های متعددی به خدمت آنان درآمدند و طوق بندگی آنان را به گردن آویختند. از آنجمله است: خاندان، فروغی، زاهدی، و غیره. یکی از خانواده هایی که در راه خدمت به استعمار پیر انگلستان، از هیچ خدمتی فروگذار نمی کرد. خاندان رشیدیان بود.

پدر این خاندان - حبیبالله رشیدیان از مأمورین سفارت انگلیس بود و هر سه پسر خود (سیفاله ۱۲۹۴ - قدرتالله ۱۲۹۵ - اسدالله ۱۲۹۶) را نیز مأمور انگلیسی ها کرد.

او در سال های پیش از کودتای اسفند ۱۲۹۹ مستخدم سفارت انگلیس و به روایتی درشکه چی این سفارت بود، که این شغل در شرایط آن روزگار، موقعیت شامخی محسوب می شد.

ویلیام راجر لویس، محقق آمریکایی، سفارت انگلستان را در دهه ۱۳۲۰ چنین توصیف میکند:

«سفارت منطقه ای به مساحت ۶ هکتار را در قلب شهر اشغال می کرد. کارمندان آن شامل اعضای سیاسی و رایزنان شرقی، کنسول ها و مأمورین اقتصادی و کنسولی و اداری، کارمندان اداره اطلاعات و وابستگان نظامی و افسران امنیتی و مأموران رمز و تندنویس ها و ماشیننویس ها بودند، محیط سفارت برای خودش دنیایی بود و دولتی در درون دولت به شمار می رفت و مینیاتور «شرکت نفت انگلیس و ایران» در دل ایران بود. این منطقه مستقل دیپلماتیک، مظهر سلطه خارجی بود. اعضای آن در ۱۹۵۲ هنوز می توانستند این شوخی را تکرار کنند که ایرانیان بر این باورند که آب قنات سفارت دارای خواصی مقوی و معجزه‌آسا است.»

این موقعیت شامخ بود که باعث شد سید ضیاءالدین طباطبایی، این چهره ی جوان مطبوعاتی جاه طلب و سوداگر، توسط حبیب الله رشیدیان به نرمان- وزیرمختار بریتانیا در ایران- معرفی شود.

انگلیس ها پس از به قدرت رساندن رضاخان، سید ضیاء را به مأموریتی تبعیدگونه به سرزمین فلسطین اعزام کردند و سهم حبیب الله رشیدیان نیز- در دوران کهولت- سلولی انفرادی، در زندان جدیدالتأسیس قصر شد. علت واقعی دستگیری حبیبالله رشیدیان و زندانی شدن او، چندان روشن و مشخص نیست. بعضی از محققین، دلیل دستگیری او را، در سینه داشتن اسرار زیاد از چگونگی سقوط سلطنت قاجار و تأسیس سلسله پهلوی دانسته اند.

یکی از زندانیان سیاسی دوران رضاخان، که در بند ۲ زندان قصر در سلول مجاور حبیب الله رشیدیان بود، در خاطرات خود، موقعیت او را در زندان، چنین توصیف می کند:

«عجیب ترین چهره ای که در این بند وجود داشت، پیرمردی بود به نام حبیب الله رشیدیان. وی در آخرین اتاق سمت چپ زندانی بود و روبروی او اتاق انفرادی در اختیار داشتند. در سایر اتاق ها معمولاً ۳ نفر و گاهی ۲ یا ۴ نفر زندانی بودند. این دو نفر هر کدام به نحوی در روی کار آمدن رضاشاه نقش داشتند. رشیدیان هیچ وقت از اتاق خود بیرون نمیآمد حتی نظافتچی را به اتاق خود راه نمی داد و خود اتاق خود را تمیز میکرد. بلندقامت بود، عبایی بر دوش و کلاهی پوستی، از نوعی که سیدضیاء بعدها مرسوم کرد، بر سر داشت. اتاق من دیوار به دیوار اتاق او بود. با وجود این در مدت ۳ سال که ما مجاور هم می زیستیم، حتی یک بار هم میان ما سلام ردوبدل نشد. برای اینکه کسی نتواند از حیاط به داخل اتاق او نگاه کند، پنجره خود را از داخل و خارج با پارچه پوشانده بود. چند سال رشیدیان بدین سان در این محبس مجرد نیمه تاریک اختیاری زندگی کرده بود؟ هیچکس نمی دانست. چون می گفتند از آغاز سلطنت رضاشاه زندانی بوده است. پلیس به او خیلی احترام می گذاشت. هفته ای یک بار مدیر داخلی زندان یا یکی از افسران آن، به اتاق او می آمدند و مدتی می نشستند و گفتگو می کردند. هر هفته پسرهایش اسدالله و سیف الله و قدرت الله و دختر و داماد و کس و کارش به ملاقات او می آمدند. پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه او را با احترام از زندان آزاد کردند و هنگامی که سیدضیاءالدین با برنامه ای خاص به ایران بازگشت و حزب اراده ملی را تشکیل داد، حبیب الله رشیدیان مشاور مخصوص او گردید و پسرانش از قبیل سیدضیاء ثروت های کلان اندوختند و به مهره های مهم اقتصادی و سیاسی کشور مبدل گردیدند.»

شبکه رشیدیان ها که از اوایل جنگ جهانی دوم از مهم ترین عوامل بومی بریتانیا در ایران محسوب می شدند، در جریان کودتای ننگین انگلیس-آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقشی اساسی داشتند.

ارتشبد حسین فردوست در نقل خاطرات خود، در اینباره می گوید: «در دوران مصدق، اشرف ۳ بار به تهران آمد. مرتبه دوم و سوم برایم تعریف کرد که در تهران تشکیلاتی را سازمان داده تا در روز مبادا به نفع شاه فعالیت کنند و نام اسدالله رشیدیان را برد. طبق اطلاعی که داشتم، می دانستم که خانواده رشیدیان، مأمورین سفارت انگلیس بوده و هستند.»

وی در جای دیگری، ضمن اشاره به نقش مهم برادران رشیدیان در کودتای ۲۸ مرداد می گوید: «آنان ثروت زیادی داشتند و در تهران صاحب خانه های متعددی بودند. این سه برادر به وضوح برای انگلیسی ها کار می کردند ولی از میان آن ها کوچک ترین برادر یعنی اسدالله، بیش تر به کاخ می رفت و با اشرف معاشرت داشت. اصناف تهران در اختیار اسدالله بود. او بعدها بانکی تأسیس کرد.»

ریچارد کاتم که در جریان کودتا برای CIA کار میکرد، در خصوص نقش برادران رشیدیان در کودتا، چنین میگوید: «برادران رشیدیان، فرصت ها را غنیمت جستند و مردمی را که در قبضه ی اختیار ما (آمریکایی ها) بودند به خیابان ها فرستادند تا چنان عمل کنند که گویی توده ای هستند. آن ها نقشی بیش از تحریک و فتنه انگیزی داشتند. آن ها نیروی ضربتی بودند که چنان عمل می کردند که گویی توده ای هایی هستند که پیکره ها و مساجد را سنگباران می کنند.»

فعالیت علنی به نفع انگلستان و شهره بودن برادران رشیدیان در خدمت به انگلیس، با مطالعه اسناد زیر روشن تر می گردد:

سند اول:

موضوع: فعالیت برادران رشیدیان

برادران رشیدیان که از دو سال قبل با تشکیل شرکت های تعاونی توزیع اختیار قسمت عمده ای از نان و گوشت و ارزاق عمومی را در تهران به دست گرفته اند برای پیشرفت کار خود مقالات مفصلی در مدح کارهای انجام شده خود تهیه میکنند که با پرداخت مبالغ گزافی به نام حق الدرج، در مجله اکونومیست لندن چاپ کرده اند، عیناً آن را به نام ترجمه از روزنامه خارجی با پرداخت حق الدرج در روزنامه های تهران منعکس نموده اند.

چون برادران رشیدیان خود را وابسته به سیاست انگلستان معرفی می کنند و از تظاهر به این موضوع هم ابایی ندارند، در محافل اقتصادی از سپردن کلیه امور مربوط به ارزاق عمومی مملکت به دست این افراد اظهار نگرانی می شود. در بین مردم گفته می شود تا چند سال قبل امور اقتصادی مملکت ما در دست در اختیار آمریکایی ها و عمال سیاسی آن ها در ایران بود و اکنون به نام پیروی

از یک سیاست مستقل ملی می خواهند آن را از دست آمریکایی ها خارج کرده، در اختیار عمال انگلیس ها قرار دهند و برای جلب رضایت طرفداران شوروی گروهی از کمونیست های مشهور مانند رحمت الله جزنی و یاران او را در سازمان برنامه صاحب اختیار و صاحب قدرت نموده اند تا از طریق همکاری با مقاطعه کاران قسمت عمده ای از اعتبارات سازمان برنامه به صورت های مختلف در اختیار این گروه قرار گیرد.

مردم از طبقات مختلف هنگام بحث و گفتگو پیرامون وضع سیاسی و اقتصادی مملکت می گویند ما با بازی های دستگاه حاکمه که برای تثبیت موقعیت خود و حفظ استقلال مملکت هر روز روش مخصوصی در سیاست خارجی اتخاذ می کند کاری نداریم ولی در اجرای این نقشهها فقط جلب رضایت و تأمین منافع یک عده معدود طرفداران سیاست خارجی به خصوص نباید مورد نظر باشد و دیگر مردم را هم باید به حساب بیاورند؛ برای اینکه اگر روزی خطری برای مملکت و رژیم حکومت در پیش باشد فقط مردم کوچه و خیابان ها هستند که می توانند از موجودیت مملکت دفاع کنند.

سند دوم:

از: ۳۰۰/الف

تاریخ: ۲۴ / ۹ / ۴۵

به: ۳۲۱

شماره: ۹۷۰ - ۳۰۰/الف

موضوع: سیف الله رشیدیان (اینتربانک لبنان)

به قرار اظهار چند نفر از نزدیکان و محارم سیف الله رشیدیان، علت مسافرت نام برده به لندن و نیویورک که چندی قبل صورت گرفت، خرید سهام اینتربانک لبنان است که چندی پیش ورشکست شد. در این مسافرت رشیدیان برای شرکت در سرمایه گذاری و به کار انداختن مجدد بانک مزبور با مقامات مربوطه مذاکراتی انجام خواهد داد. دوستان نزدیک رشیدیان در این مورد اظهار می داشتند این کار با اجازه و استحضار اعلی حضرت همایونی انجام شده است.

منابع:

۱- خامه ای، انور، خاطرات انور خامه ای، تهران: هفته، ۱۳۶۲.

۲- جیمز آبن، بیل، مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۸.

۳- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۸.

*اتفاقات تاریخی به روایت اسناد ساواک، تهران: وزارت اطلاعات، ۱۳۸۶.

منبع: قدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/29936/سپاستمدار-انگلیس-سفارت-چی-درشکمه-وقتی/29936>